



امام خامنه ای مد ظله العالی : تحریم و فشار ناشی از موضوع هسته ای نیست بلکه آنها با هویت مستقل ملت ایران و جمهوری اسلامی که از ایمان و اعتقاد اسلامی سرمنشأ می گیرد، و همچنین با افق های آینده این ملت و نظام و زیربار حرف زور نرفتن آنها مخالفند... بنابراین اینکه گفته شود، تحریم ها و فشارها هزینه دستاوردهای هسته ای است، موضوع صحیحی نیست زیرا اگر موضوع هسته ای هم نبود، آنها بهانه دیگری می گرفتند، همانطور که اکنون و در حین مذاکرات، آمریکایی ها بهانه حقوق بشر را مطرح می کنند... ۹۳/۱/۲۰

انرژی هسته ای ، یک بام و چند هوا !

سازمان های بین المللی استفاده کند. یعنی ما هیچ اختیار و آزادی عملی در استفاده از آن نخواهیم داشت ...

و این در حالیست که تحریم های اساسی همچون نفت، بانک، بیمه و امثال آن، اصلا دست نمی خورد. و یقیناً اینها ننگه داشته می شوند برای گام آخر، تا در ازای آن، از ایران، جمع و اوراق کردن کل برنامه صنعتی غنی سازی اش را درخواست کنند. این تمام داستان تحریم است!



در ایام انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، دکتر روحانی شعارهایی در مورد تغییر در سیاست خارجی، رفع تحریم ها و بهبود وضعیت اقتصادی مردم می داد. بعد از پیروزی در انتخابات، ایشان به بخشی از شعارهای خود یعنی تغییر در سیاست خارجی عمل کردند؛ اما بخش دیگر یعنی بهبود وضعیت اقتصادی علی رغم تلاش ایشان و کابینه همراه، آن طور که باید و شاید تاکنون محقق نشده است.

این معامله آنقدر نامتوازن است که برخی کارشناسان غربی خودشان هم صدایشان درآمده و ابراز تعجب کرده اند. "دیوید آلبرایت" رئیس موسسه علوم و امنیت که از مشاوران فنی سیا است، می گوید: "باور نمی کردم ایران روزی بپذیرد که اصلاً سانتریفیوژ نسازد و آمریکا هم آماده بود از این کوتاه بیاید." رابرت آینهورن که تا همین اواخر از اعضای تیم مذاکره کننده آمریکا بود، می گوید: "این معامله خیلی بهتر از چیزی است که آمریکا فکرش را می کرد." "جان کری" هم در جلسه استماع مجلس نمایندگان، می گوید: "برخی طرفها در ۱+۵ آماده معامله های بسیار بهتری با ایران بودند. دوستان آنقدر برای توافق عجله داشتند که در یک جاهایی از خود آمریکا هم جلوتر زده اند."

شناخته شدن حق غنی سازی هسته ای ایران نیست؛ ما ۲۶ امتیاز به غرب داده ایم که نتیجه آن عملاً تعطیلی کل راکتور آب سنگین اراک، سه چهارم نطنز و نصف فردو بوده است. وقتی در این توافق نامه پذیرفته ایم هر اقدام ایران در زمینه هسته ای، از این به بعد مستلزم کسب اجازه از غربی ها باشد. یعنی اگر آمریکایی ها میلشان کشید هیچ اقدام هسته ای نداشته باشیم؛ ما هم باید طبق توافقی که کرده ایم بپذیریم!

ما متعهد شده ایم غنی سازی ۲۰ درصد متوقف شود، بیشتر از ۵ درصد غنی سازی نکنیم، و نیمی از سوخت ۲۰ درصد هسته ای موجود را نیز به سوخت ۵ درصد اکسید کنیم، پذیرفته ایم نظارت های آژانس (بخوانید جاسوسی ها) بیشتر از قبل شود، پذیرفته ایم تأسیسات هسته ای را گسترش ندهیم، یعنی حتی اجازه نصب یک سانتریفیوژ را هم نداریم! پذیرفته ایم ...

اما در مقابل، امتیازات گرانبهایی که غربی ها به ما می دهند! فقط برگرداندن پول های بلوکه شده خودمان، آن هم در ۸ قسط به مبلغ ۴.۲ میلیارد است. گفته اند تحریم طلا، خودرو و پتروشیمی را نیز تعلیق می کنند. و نکته قابل ذکر این است که در اینجا درآمد تضمین شده ای وجود ندارد، بلکه صرفاً به ما می گویند در این حوزه ها می توانید تجارت کنید. امتیاز بعدی حدود ۱.۳ میلیارد پول غیر مستقیم است، به این صورت که ایران می تواند آن را صرفاً برای خرید دارو، غذا، پرداخت شهریه دانشجویان، پرداخت هزینه های پزشکی و پرداخت بدهی هایش به

طی سفر آقای روحانی به نیویورک، زمینه توافق ژنو فراهم شد و پس از آن با جلساتی که آقای ظریف و تیم مذاکره کننده در طول شش دوره با ۵+۱ داشتند توافق ژنو حاصل شد.

روز سوم آذر ماه سال ۹۲ از طرف کلید دار دولت امید و تدبیر، دکتر روحانی، نامه ای در مورد موفقیت آمیز بودن توافق ژنو، خطاب به مقام معظم رهبری، امام خامنه ای ارسال شد. در بخشی از این نامه اینگونه آمده است که: "دستاوردهای قطعی این توافق اولیه، به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته ای ایران و حراست از دستاوردهای هسته ای فرزندان این مرز و بوم بوده است. و در کنار آن با توقف روند تحریم های ظالمانه، بخشی از فشارهای غیرقانونی در تحریم های یک جانبه برداشته و فروپاشی سازمان تحریم آغاز شده است..."

رئیس جمهور محترم در این نامه صراحتاً اعلام کردند، که دستاورد قطعی این توافق به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته ای ایران است! اما سوال اینجاست، دقیقاً در کجای متن توافق نامه سخن از به رسمیت شناختن حقوق هسته ای ایران آمده است؟ و اساساً اگر چنین حقوقی در توافق نامه به رسمیت شناخته بود چرا بعد از توافق، آمریکا اعلام کرد که ما حق غنی سازی ایران را به رسمیت نشناخته ایم؟! همچنین جان کری سه روز پس از اجرای توافق ژنو می گوید: "اگر ایران توافق ژنو را نقض کند، گزینه نظامی روی میز خواهد بود."

در حالی که نه در متن توافق نامه و نه در سخنان غربی ها، نشانی از به رسمیت

سخن سردبیر

سالی جدید آغاز شده و بدون توقف به پیش می رود تا در ماههای آتی پایان پذیرد و باز سالی دیگر آغاز شود. زمان کار خودش را خوب بلد است و با سرعت بالایی آن را انجام می دهد. و این من و توایم که باید از آن پند بگیریم و به هوش باشیم تا فرصت ها را از دست ندهیم. اینک که آرمان انقلابمان در تشکیل تمدن نوین اسلامی برای دنیا به مرحله ای رسیده که بنا بر رهنمود علمدار ولایت، نیاز به عزمی ملی و مدیریتی جهادی در زمینه اقتصاد و فرهنگ دارد؛ همه برای تحقق این شعار به خط شده ایم و نباید در انتظار حرکتی از بالا، تکلیف خودمان را فراموش کنیم؛ چرا که تجربه سال گذشته به خوبی نشان داد که در عرصه های مطرح شده، نقش آفرینی و موفقیت مردم به مراتب مؤثرتر و نمایان تر از مسئولین بود و البته ناگفته نماند ماهیت اقتصاد و فرهنگ به گونه ایست که بدون عزم ملی نمی توان شاهد دگرگونی چشمگیری در آن بود. پس اکنون که در روزهای آغازین سال جدید هستیم و بهترین موقعیت را برای برنامه ریزی داریم، باید یک نگاه ویژه به توانایی ها و رسالت خودمان در هر کسوتی که هستیم در ارتباط با شعار سال داشته باشیم و دست به کار شویم، تا خدای ناکرده زمان را از دست ندهیم و خسران زده سال را به پایان نبریم. امید است دیده بان نیز علمی را که برافراشته به بهترین نحو در جهت تحقق اوامر ولی امرمان بکار گیرد.

معزل افزایش سن ازدواج جوانان



بیایید یک لحظه عاشق شویم!



مصاحبه با دبیر انجمن ریاتیک فرزند



احتمال استیضاح وزیر ارشاد



آنچه در این شماره میخوانید

آیا دانشگاه ما انجمن رباتیک دارد؟!



در پی شنیدن خبر مسرت بار موفقیت تیم رباتیک دانشگاه در جشنواره ملی حرکت، بر آن شدیم تا با دبیر انجمن علمی فنرود، جناب آقای رفیعی گفتگویی داشته باشیم و از جزئیات فعالیت های آنها مطلع شویم. تا شاید تلنگری باشد به مسئولین و همه ی دانشجویان دانشگاه تا با دانشجویان مستعد و افتخار آفرین دانشگاه بیشتر

آشنا شوند و دیگر شاهد بی مهری دانشگاه نسبت به آنان نباشیم.

از سابقه تشکیل انجمن علمی فنرود برایمان بگویید:

انجمن علمی رباتیک فنرود در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه پیام نور بروجن تاسیس و شروع به عضو گیری نمود، پس از برگزاری انتخابات و تشکیل اولین هیات مدیره انجمن رسماً فعالیت خودش را آغاز کرد.

اهم برنامه ها و مسابقاتی که انجمن در آن شرکت داشته: برگزاری کلاس های علمی و کمک درسی، برگزاری دوره آموزشی و کارگاه رباتیک، تشکیل اولین تیم رباتیک دانشگاه جهت ساخت ربات، شرکت در مسابقات معتبری همچون ۲۰۱۲ pnuopen مازندران و ۲۰۱۳ pnuopen مشهد و جشنواره ملی حرکت

مقام ها و موفقیت های انجمن تا به حال در چه عرصه هایی بوده؟

به نظر من یکی از بزرگترین موفقیت های این انجمن این بود که در ابتدای کار خودش توانست فضای رقابتی بین انجمن های دانشگاه به وجود بیاورد و باعث رشد و شکوفایی انجمن های دانشگاه شد. اما در بحث مقام هایی که کسب کردیم می تونیم به مقام سوم کشوری در مسابقات رباتیک ۲۰۱۳ pnuopen در لیگ ربات میکروماوس و مهم تر از همه مقام اول کشوری در جشنواره ملی حرکت دانشگاه صنعتی شریف در اسفندماه ۱۳۹۲ اشاره کنم.

حمایت های مسئولان دانشگاه از فعالیت های شما به چه نحوی بوده و آیا توانسته پاسخگوی نیازهای شما باشد؟

تا حالا حمایت ها ضعیف بوده ولی امیدواریم با توجه به مقام هایی که کسب

کردیم حمایت ها از طرف دانشگاه بیشتر شود.

نحوه عضوگیری شما در دانشگاه برای انجمن به چه صورت می باشد؟

دانشجویان می توانند با مراجعه به دفتر انجمن ها یا موسسه رباتیک بروجن واقع در خیابان تهران، پارک ترافیک با تکمیل فرم عضویت، به انجمن بپیوندند.

چرا تیم شما در سطح دانشگاه غریب مانده و نسبتاً ناشناخته است؟

به دلیل سلیقه ای عمل کردن و کم لطفی برخی از مسئولین محترم دانشگاه از تشکل مردم نهادی که خودتون در پی ترویج فعالیت های علمی در سطح شهرستان تشکیل دادید برایمان بگویید:

این سازمان مردم نهاد با همت برخی از اعضای تیم انجمن رباتیک فنرود جهت فعالیت های علمی و ترویج آن و در نتیجه پیشرفت هرچه بیشتر استان در سال ۱۳۹۰ تشکیل شد و در حال حاضر در دانشگاه های استان مشغول به تدریس و ترویج علم رباتیک می باشد. و متأسفانه برخلاف دیگر دانشگاه های استان میزان همکاری دانشگاه پیام نور بروجن بسیار اندک بوده است.

بازخورد و عکس العمل مسئولان دانشگاه در مقابل موفقیت های شما در عرصه های مختلف چگونه بوده؟ آیا منجر به تشویق و انگیزه دهی مضاعف بوده یا نه؟

عکس العمل مسئولین استان نسبت به موفقیت های انجمن خوب بوده ولی انتظار بیشتری از مسئولین دانشگاه در مقابل فعالیت های انجمن داشتیم تا منجر به انگیزه دهی به اعضای انجمن شود.

برنامه های آتی انجمن در سطح

دانشگاه چه خواهد بود؟ و آیا اقدام به برگزاری کلاسهای آموزشی خواهید کرد؟

هم اکنون سه طرح جدید جهت ساخت و شرکت در مسابقات به دانشگاه ارائه شده و همچنین مسابقات بین المللی فیض کاپ که در اواخر فروردین ماه برگزار می شود را در پیش رو داریم. در مورد

برگزاری کلاس های آموزشی پیش از این درخواست برگزاری کلاس های رباتیک و دوره های مربوط را به دانشگاه ارائه کردیم و در صورت موافقت دانشگاه دوره های مذکور را در سطح دانشگاه برگزار خواهیم کرد.

انتظارات شما از مسئولین دانشگاه و علی الخصوص دانشجویان چیست؟

انتظاری که از مسئولین و همچنین دانشجویان عزیز داریم این است که توجه بیشتری به فعالیت های علمی داشته باشند و اجازه ندهند این بنایی که به همت اعضای انجمن گذارده شده نا تمام بماند و در سال های آینده نیز شاهد ادامه موفقیت های دانشجویان دانشگاه در سطوح علمی باشیم. و در خواست دیگری که از دانشجویان داریم این که به فعالیت های دانشجویی اهمیت بیشتری دهند زیرا که این فعالیت ها تمرینی است برای حضور فعال در اجتماع.

در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید. جا دارد از کلیه افرادی که طی این چند سال در چارچوب انجمن فعالیت می کردند تشکر به عمل آورم از جمله آقایان حمیدرضا بشارتی، مصطفی حیدری، امید احمدی، علی رضا پرتوی، محسن جوشن، محمد مرادی، رسول آتشیبار، صادق حامدی، حمید تقی زاده، میثم خدیوی و خانم ها زینب آقابابا، عاطفه باقری، زهرا آقایی، طاهره میرزایی، صدیقه علیمیرزایی، مهشید محبوبی، ریحانه رزازی، زهرا نیکزاد، سمیه غفاری و نسیم موسوی. همچنین تشکر ویژه ای دارم از جناب آقای سلطانی و آقای آقابابا کارمندان محترم دانشگاه که همواره همراه و مشوق انجمن بوده اند. ممنون از اینکه وقت گذاشتید.

// فاطمه رحیمی //

کافه کتاب

در خدمت و خیانت روشنفکران این کتاب از کتب معروف و بحث برانگیز جلال آل احمد است، که در دو جلد توسط انتشارات خوارزمی به چاپ رسیده است. آل احمد که خود از روشنفکران و نویسندگان معاصر محسوب می شود، در این کتاب می کوشد با ادبیات و ذهنیت خودش به واکاوی معنای روشنفکری و بررسی خاستگاه و زادگاههای آن بپردازد. و از طرفی می پرسد و به چالش می کشد که جریان روشنفکری در ایران چه خدمت ها و خیانت هایی کرده اند. کتاب بدلیل سبک نگارشش هنوز تازه است و خواندنش از مناظر گوناگون مفید است.

جلال کتاب را با یک شعر از نیما آغاز می کند. سپس به این موضوع می پردازد که روشنفکر امروزی از کجا می آید؟ و اساساً روشن فکر به چه کسی می گویند. و در ادامه می آورد که:

روشنفکر ایرانی هنوز از جمع خلاق بریده است، دستی به مردم ندارد و ناچار خود را هم دربند مردم نمی داند. به مسائلی می اندیشد که محلی نیست، وارداتی است و تا روشنفکر ایرانی با مسایل محلی محیط بومی خود آشنا نشود و گشاینده مشکلات بومی نشود وضع از همین قرار هست که هست... روشنفکر ایرانی به قول صادق هدایت همچون کنده ای است که در کنار اجاق مانده و سیاه شده نه به آتش زیر دیگ کمکی کرده و نه چوب سالم باقی مانده.

در چنین وضعی اگر روشنفکر ایرانی بتواند از سرسپردگی به حکومت ها چشم بپوشد و برای رسیدن به مقامی که حق اوست تکیه به آزادی کند و به خلاق کثیری که آهسته آهسته دارند در حوزه تأثیر و تأثر روشنفکری قرار می گیرند... لیاقت خود را در حل مشکلات بومی... نشان دهد و از این راه دستی به خلاق کثیر پیدا کند و نفوذ کلامی در ایشان، راه اصلی را پیدا کرده است.

این کتاب را می توانید از سایت کافه کتاب به آدرس cketab.com یا وبلاگ دیده بان به نشانی dideban.blog.ir دریافت کنید...

احتمال استیضاح وزیر ارشاد

تابناک: عضو کمیسیون فرهنگی مجلس با انتقاد از عملکرد وزیر ارشاد در ماه های اخیر گفت: احتمال دارد دیدار وزیر ارشاد با سید محمد خاتمی به استیضاح او در مجلس منجر شود، اما امیدوارم که کار به اینجا نرسد. وی افزود: آقای جنتی در سخنان و اظهاراتش می گوید که پیرو رهبری است و قصد دارد که منویات رهبر معظم انقلاب را اجرایی کند، در صورتیکه بسیاری از اقدامات وی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اظهاراتش تضاد دارد.

حفر تونل بهشت آباد متوقف شد

قدس آنلاین: به گفته رئیس شورای عالی استان عملیات اجرایی طرح انتقال آب از طریق حفر تونل بهشت آباد به اصفهان با دستور مستقیم رئیس جمهوری متوقف شد. قاسم سلیمانی تصریح کرد: بر اساس تصمیم شورای عالی آب مقرر شده تا اجرای پروژه انتقال آب بهشت آباد از طریق انتقال ثقلی و پمپاژ و با رعایت حقوق مردم سرچشمه و تنها برای مصرف آشامیدنی اجرا شود.

قطعنامه ضد ایرانی پارلمان اروپا

در پی تصویب قطعنامه ضد ایرانی پارلمان اروپا که در آن علاوه بر اشاره به نقض حقوق بشر در ایران انتخابات اخیر ریاست جمهوری ایران غیر دموکراتیک خوانده شده بود، واکنش های جدی و کوبنده مسئولین و مردم را به دنبال داشت. در واکنش به این قطعنامه مداخله جویانه، طلاب حوزه علمیه قم، و همچنین جمعی از دانشجویان مقابل سفارت یونان در تهران، تجمع اعتراض آمیز کردند.

از دور و همسایه شنیدیم...

داروخانه معنوی

حضرت آیت ا.. محمد تقی بهجت (اعلی الله مقامه الشریف) سر درس می فرمودند:

شخصی در مسجد کوفه حاجتی داشت و برای این حاجتش خیلی عجز و ناله به درگاه خداوند متعال می کرد. یک مرتبه متوجه شده بود آقای بزرگواری جلوتر ایستاده اند که گویا حضرت بودند، حضرت بهشون می فرمایند: اگر تو برای فرج و ظهور دعا کنی تا بیایم؛ هم مشکل تو حل می شود، هم مشکلات دیگران حل می شود، دعا کن تا ظهور حاصل شود.

آیت ا.. بهجت (رضوان ا.. تعالی علیه) می فرمودند:

دعای فرج بخوانید، ظهور آقا را طلب کنید. ایشان اصل دعا را می گذاشتند برای فرج و ظهور امام زمان (عجل ا.. تعالی فرجه الشریف) که گشایش اسلام و اهل اسلام است. ان شا ا.. درس بشود برای همه ما که در رأس هر داعی که می خواهیم بکنیم دعا برای ظهور امام زمان (ارواحنا فدا) و آماده شدن برای همراهی در رکاب حضرت را طلب کنیم. **همچنین حضرت آیت ا.. بهجت (رحمت ا.. در جایی دیگر فرمودند:** افسوس که همه برای برآورده شدن حاجت شخصی خود به مسجد جمکران می روند، و نمی دانند که خود آن حضرت چه التماس داعی از آنها دارد که برای تعجیل فرج او دعا کنند!

«التماس دعای فرج»

ابابیلی از جنس شن

حرکت تاریخی ۴۰۰ نفر از دانشجویان پیرو خط امام (ره) در تسخیرلانه جاسوسی و گروگان گیری ۵۳ نفر از اتباع آمریکایی، بهانه ای بود تا سران کاخ سفید دستور به حمله نظامی ایران با هدف براندازی انقلاب اسلامی را بدهند. کارتر رئیس جمهور ایالات متحده در مدت ۵ ماه با برنامه ریزی برای انجام عملیات به نام «پنجه عقاب» با هفت فروند هواپیما C-۱۳۰ و هشت فروند بالگرد در چهار اردیبهشت وارد مرز ایران شد. اما حادثه ی طوفان شن با آتش سوزی ۲ فروند هواپیما و نقص فنی ۲ بالگرد دیگر باعث شد که کارتر دستور به فرار در شب را تنها در حالی که هشت مزدور کشته شده اسناد سری و محرمانه در بالگردهای به جامانده را باقی گذاشتند را بدهد.

شکست آمریکا در برابر طوفان شن مصداقی از قدرت لایزال الهی برای انقلاب اسلامی ایران بود که ضربه محکمی بر پیکره ی استکبار و سران کاخ سفید زده شد.

سکانس اول

بسیار گفته اند درد بی دردی، بد دردی است. انسانیت و بی خیالی با هم سازگار نیستند. امروز متأسفانه شاهدیم هجمه فساد راه افزایش ربا و پارتی را، فاصله گرفتن از آرمان ها را، گمراه شدن برخی جوانان را و واکنش ما، بی خیالی است و سکوتی تلخ... از دست خودم و امثال خودم و کسانی که دستشان میرسد و کاری نمی کنند دلخورم. کارمان می لنگد، می بینیم خطاها را و مسخ شده منتظریم کس دیگری کاری انجام دهد...

جدای از انسانیت، ما یا دین داریم یا نه و اگر داریم، باید برویم یاد بگیریم اصول و مبانی و واجباتش را. و اینجا خط وسط نداریم، مسامحه کاری نداریم. نباید چشم بست بر گمراهی دیگران... نهی از گناه و امر به کار درست بر همه ما واجب شده و البته باید برویم یاد بگیریم قواعدش را. نباید می گذاشتیم این واجب الهی انقدر غریب و مظلوم واقع شود که ناهیان از منکر مورد ضرب و شتم قرار گیرند. من اینجا به خودم و کسانی که مسئولند تلنگر می زنم. چون مسئولیت ما بیشتر از دیگران است؛ به عنوان دانشجو، جوان، حاضر در متن جامعه و با سواد، پتانسیل تاثیر گذاری بیشتری داریم. مسیر را رهبری بارها مشخص کرده اند؛ بنشینید فکر کنید، راهکار بیابید برای اصلاح کشور " در نظام

بیاید یک لحظه عاشق شویم...



جمهوری اسلامی که یک نظام صد درصد مردمی است، دانشجو باید بارزتر از هر جای دیگر دنیا نقش داشته باشد " نگذارید در جوامع جوان کار به فساد بکشد، جوانان در محیط خودشان امر به معروف و نهی از منکر کنند نه تنها طبقه عامه مردم را حتی مسئولان را " بعد از شنیدن خبر چند مورد ضرب و شتم ناهیان از منکر، هر دم از نو غمی آید به مبارک باد... یکشنبه ۳ فروردین ۹۳ طلبه بسیجی علی خلیلی بعد از ۲ سال تحمل درد و بیماری بر اثر جراحات وارده از سوی اشرف در دفاع از دو بانوی جوان، شهید شد...

سکانس دوم

چه کار داشتی طلبه جان تو هم مثل من و امثال من که به شعار دادن بسنده کرده ایم، راه بی خیالی در پیش می گرفتی. ناموس مردم در خطر بود که باشد، تو هم مثل ما رگ غیرت را می خشکاندی و چشم می بستی روی واجب الهی... جانت را به خطر انداختی، نزدیک به ۳ سال درد کشیدی، گردن و چشم و هنجره و دست و معده ات را ناکار کردی، کما رفتی، دو بار سکنه مغزی کردی که چه...

وقتی همه خواب بودیم، وقتی مسئولین امر در جواب فرمان های مکرر رهبری، به قول خودت مرگ غیرت و جوانمردی را به سوگ می نشینند، تو آن وسط چرا بیدار شدی؟... دنیا هم حوصله تو را نداشت آخر بر خلاف حال و هوایش پیش رفتی؛ دیدی که ۲۶ بیمارستان تن نیمه جان را نپذیرفتند... هر چند تاکید کردی اسم کارت را نهی از منکر نمی دانی بلکه دفاع از جان و ناموس بوده، مدعیان به تو گیر دادند که به تو چه ربطی داشت... خدا ما را بیمارزد علی آقا تو که جاودانه شدی... و باز هم به قول خودت اینجا هیچ کس پشت آدم نیست، فقط خدا... دعا می کنم قصه تو فقط به آهی و سوختنی تمام نشود؛ شروعی باشد برای بیداری من و امثال من، تا به قول خودت مبادا رگ غیرت در کوچه های شهرمان بخشکد... // سید حسام //

گلواژه های صبر و ایثار

به بهانه وفات حضرت ام البنین (س) و روز بزرگداشت مقام مادران و همسران شهدا

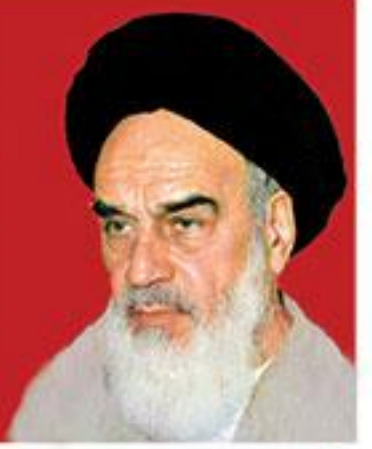
بسیاری از آنان آن زمان نو عروس بودند، نبود خدا می دانست چه بر سر این خاک و انقلابمان می آمد!! در واقع این دلاور زنان بودند که فرزندان هم سن و سال ما جوانان و نوجوانان خود را برای دفاع از ولایت به خط مقدم جبهه فرستاده تا اجازه ندهند حتی یک وجب از خاک مقدس سرزمینمان به دست دشمن بیفتد و دشمن نیز فهمید که با وجود چنین مادران و جوانان برومند نمی تواند قد علم کند و با ارزشهای دینی و فرهنگی ما مقابله کند.

اینک نه تنها باید یاد شهدا را زنده نگه داشت بلکه باید از همسران و مادران آنها یاد و تکریم کرد و الگو گرفت تا هم در شکوفایی کشور سهیم شد هم فرزندانمان چون ابا الفضل العباس علیه السلام، علمدار کربلا، و شهیدان این مرز و بوم تربیت کرد، باشد که چنین بود... // الهام علانی //



وقتی تقویم امسال را باز می کنی به تاریخی می رسی که رنگ و بوی حماسه دارد، بیست و چهارم فروردین روز بزرگداشت بانوی فداکار، حضرت ام البنین سلام الله علیها، یک شیر زن و شیر پرور، همسر شهید و مادر چهار شهید که پسران خود را فدایی ولایت کرد، بانویی که از وقتی پا به خانه ی امیر المومنین علیه السلام نهاد خود را نه بانوی خانه که کنیز کودکان یتیم فاطمه سلام الله علیها دانست و ادب و عشق به دردانه هایش آموخت. راستی چه روز مبارکی است این روز، روز تکریم از شیر زنان و دلاور زنان تاریخ "مادران و همسران شهدا" تکریم از کسانی که به ندای پیر خود، معمار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله علیه، لبیک گفته و زینب گونه در هشت سال دفاع مقدس فرزندان رشید و برومند خود را برای حضور در جبهه ها آماده کردند. مادرانی که بهشت برای





امام خمینی (ره) : این ولادت با سعادت [حضرت زهرا سلام الله علیها]، در زمان و محیطی واقع شد که زن به عنوان یک انسان مطرح نبود و وجود او موجب سرافکنندگی خاندانش در نزد اقوام مختلف جاهلیت به شمار می رفت. در چنین محیط فاسد و وحشتناکی، پیامبر بزرگ اسلام دست زن را گرفت و از منجلب عادات جاهلیت نجات بخشید. و تاریخ اسلام گواه احترامات بی حد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، به این مولود شریف است، تا نشان دهد که زن، بزرگی ویژه ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست.

از دانشگاه چه خبر؟

ثبت نام جهت بازدید از راکتورهای هسته ای اصفهان
علاقه مندان جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر در مورد این بازدید علمی به بسیج دانشجویی مراجعه نمایند.
برگزاری جشن ولادت حضرت زهرا(س)
به مناسبت ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا (س) و روز زن جشنی در نمازخانه دانشگاه برگزار می گردد.
از علاقه مندان جهت شرکت در جشن دعوت می گردد.
برگزاری کرسی آزاد اندیشی
به همت بسیج دانشجویی کرسی آزاد اندیشی با موضوع بررسی مذاکرات ژنو، روز چهارشنبه، سوم اردیبهشت ماه در سالن کنفرانس دانشگاه برگزار می گردد. علاقه مندان به ثبت نام به عنوان موافق و یا منتقد توافق ژنو، به بسیج دانشجویی مراجعه نمایند.

نظرات خوانندگان دیده بان

با سلام و خسته نباشید. لطفا پیگیر راه اندازی مجدد سلف سرویس دانشگاه باشید. باتشکر
سلام علیکم مطالب خوب بود و داروخانه معنوی رو دوست داشتم ولی محدود شد چرا؟ بیم آن میرود که کم کم تشریف ببرید!!
سلام، خسته نباشید ماهنامه جالبی دارید.
۹۱۳***۴۰۶
۹۳۶***۸۸۱
۹۱۳***۶۱۸

پیگیری دیده بان

پیگیری از دکتر مرتضوی، ریاست دانشگاه پیام نور جهت راه اندازی مجدد سلف سرویس و پاسخ ایشان: در اساسنامه دانشگاه پیام نور نسبت به دو چیز تعهد داده نشده. ۱- خوابگاه ۲- غذا با این حال در ترم های اخیر وزارت علوم بودجه کمی برای غذا میداد و ما هم در ایام امتحانات با توجه به بودجه سلف سرویس را راه اندازی می کردیم و به دانشجویان غذا می دادیم اما مدتی است که این بودجه قطع شده، برای همین امکان راه اندازی مجدد سلف سرویس نیست. در خصوص تعطیلی بوفه دانشگاه مدتی دانشجویان استقبال زیادی نمی کردند، برای همین تعطیل شده اگر استقبال دانشجویان زیاد شود امکان بازگشایی مجدد است.

تاریخ انقضای «دهنت بوی شیر می دهد» تمام شده؛ لطفا بفهمید!

کسی هم نمی تواند از این بزرگترها بپرسد پس چطور شما خودتان برای ازدواج در همین سن بچه نبودید؟ نکنند فکر می کنید ما جوان ترها مثل شما دل نداریم؟ ببخشید شما از ما بزرگترید اما خب درد دل است دیگر...

پدر بزرگوار، شما راست می گوید برای دخترتان آرزوها دارید. حق با شماست. دخترتان را از جوی آب پیدا نکرده اید و برایش زحمتها کشیده اید. ما تمام حرف های شما را درک می کنیم، حرفتان کاملا درست است. شما نباید دخترتان را به دست هر کسی بدهید تا ببرد و قدرش را نداند اینها قابل درک است اما ایرادات بنی اسرائیلی شما را نمی توانیم بفهمیم.

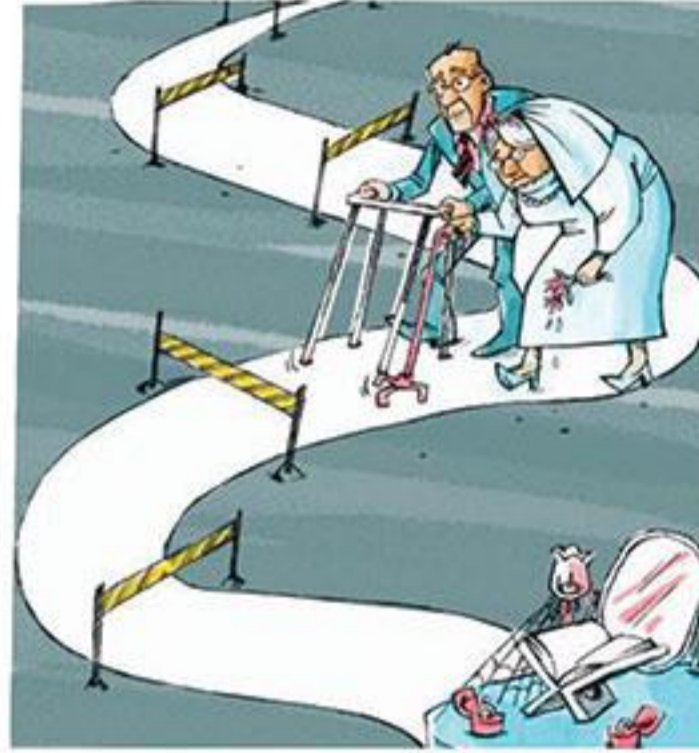
گویا پدرها احساساتی شده اند و منتظر اسب سفیدند اما پدر عزیز حواستان باشد که ...

در گذشته اگر می خواستند بگویند دختری رویایی فکر می کند و به همه جواب رد می دهد، می گفتند فلان دختر دنبال مرد آرزوها سوار بر اسب سفید است اما این روزها دخترها منتظر اسب سفید نیستند. گویا پدرها احساساتی شده اند و منتظر اسب سفیدند اما پدر عزیز حواستان باشد که خدایی نکرده ممکن است این اسب سفید عاقبت خری سیاه شود و لگد به احترام شما یا بخت دخترتان بزند. آخر چرا اینقدر مته به خشخاش می گذارید؟ جوان را از نظر غیرت و اخلاق تایید می کنید اما می گوید چون پولی در بساط ندارد نمی تواند دخترتان را خوشبخت کند. آخر این چه طرزی فکری است؟؟ شما خودتان روزی که تشکیل زندگی دادید چقدر مال و اموال داشتید؟

اصلا بگویند بینم دختری را که با این خون دل بزرگ کرده اید اینقدر کم جنبه و کم ظرفیت است؟ اگر دخترتان به خانه مردی برود که همه چیز دارد و هیچ طعمی از سختی ها نکشد قدر زندگی را می داند یا نه؟ آنقدر با تجربه هستید که بدانید زندگی بالا و پایین فراوانی دارد و هیچ بعید نیست که بسیاری از ثروتمندان یک شبه فقیر و تنگدست شوند. اگر بفرض مثال دامادی با این اوصاف پیدا کنید و ورشکست شد آن موقع دخترتان بدبخت می شود؟ راستی آن موقع می گویند خانه شوهرش را ترک کند و بی وفایی کند؟

// خبرگزاری دانشجویان فرامرز فضیلت - با اندکی تصرف //

ادامه دارد ...



تمرین کند و آماده ورود به اجتماع بشود. یک نفر هم نیست که بگوید برادر من، شما علاوه بر فکر کردن به این چیزها کمی هم به فکر راه حل باشید، مشکلات اقتصادی جوانان را حل کنید، شرایط ازدواج را فراهم کنید. جوان اگر ازدواج کند نیازی به تمرین برای آینده ندارد همسرش خیلی چیزها به او می آموزد مسئولین عزیز تلاشی برای حل مسئله داشته باشید نه پاک کردن صورت مسئله. شما به فکر حل معضلات اقتصادی مردم باشید. شرایط اقتصادی را طوری است که جوانها و خانواده هایشان از فکر ازدواج کردن هم می هراسند.

دولت در فرهنگ نقش دارد اما عامل اصلی در فرهنگ خود مردم هستند.

بگذریم از بحث در مورد مسئولان. چون نباید همه چیز را از مسئولین بخواهیم و ایرادات خودمان را نبینیم. بی عدالتی است اگر همه مشکل را گردن مسائل اقتصادی ببندیم. راستش را بخواهید درد بیشتر از آنکه اقتصادی باشد به طرز تفکر خانواده ها برمی گردد. خانواده های ما هنوز با وضعیت جوانانشان کنار نیامده اند. دولت در فرهنگ نقش دارد اما عامل اصلی در فرهنگ خود مردم هستند. مثال بارز برای این موضوع هم بسیاری از اعتراضها و انقلابها است که مردم در آن به خاطر عدم تطابق فرهنگ دولت با فرهنگ اصیلشان دست به آن اعتراضات و انقلابها زده اند. اصلا فرهنگ دولتی نمی شود حال چه برسد به طرز تفکر که درونی تر هم هست.

مسئله طرز فکر خانواده هاست. طرز فکری که باعث شده است سن ازدواجی که تا چند نسل قبل حدود بیست سال می چرخید به بالای سی سال رسیده است. این طرز فکر خانواده هاست که کم کم یک پسر یا دختر بیست و پنج ساله در مقابل ازدواج «هنوز بچه است» و «برای ازدواج سنی ندارد».

نیاز به صغرا و کبرا نداریم و راستش حالش را هم ندارم برای این درد صغری و کبری بچینم. این نوشته درد دل یک درد کشیده است. یک فغان و فریاد است. فقط همین. می پرسی کدام درد؟ همین درد واگرداری که امروز فراگیر شده است. همین دوستیها با جنس مخالف و لنگ در هوا ماندنهای جوانان. دوستی آن هم میان قشر تحصیل کرده و دانشجوی. می گویی چرا می گویم درد فراگیر شده؟ من که قرار نیست آمار بدهم و برایت از صحت آمارها حرف بزنم، من آمده ام درد دل کنم اما تو اگر می خواهی خیلی مطمئن شوی یک نگاه به دور اطراف خودت بکنی کافی است...

چرا دوستیها با جنس مخالف اینقدر در دانشگاه های کشور اسلامی ما زیاد شده است؟

قرار است از این حرف بزنم که «چرا دوستیها با جنس مخالف اینقدر در دانشگاه های کشور اسلامی ما زیاد شده است؟» کجا می روی؟ هنوز درد دل را شروع نکرده خسته شدی؟ نترس، من نیامده ام برای نصیحت، معلم درس «عبرت» هم نیستم که بگویم من این راه را رفته شما نروید. باور کنید فقط آمده ام کمی از دور اطراف و اوضاعمان بگویم. مخاطب من هم فقط هم سن و سالانم نیستند با همه در این نوشتار کار دارم. من نماینده همه جوانانی هستم که مثل من مدت ها است به سن ازدواج رسیده اند و دل هم در گرو کسی دارند اما نمی توانند ازدواج کنند. می خواهم از همه ی عاملین وضع موجود گله کنم پس اگر می شود درد دل من یا بهتر بگویم درد دل ما را بشنوید راستش با همه کار دارم...هم با خودمان هم با شما.

وقتی دنبال عوامل این دردییم بد نیست اول از همه با مسئولین شروع کنیم. هرچه نباشد اسمشان مسئول است دیگر! آخر عزیزان گندش را در آوردید از بس که جناح بازی کردید. آنقدر چپ و راست کرده اید که مردم چپ و راست شدند. گاهی هم که احساس مسئولیت می کنید به جای حل مسئله می روید سراغ صورت مسئله.

و قتلان را صرف این کردید که اختلاط جنسیتی دانشگاهها خوب است یا بد. یکی می گوید جوان دیگر با تفکیک جنسیتی دچار درد نمی شود و تازه حواسش به درس و مشقش جمع می شود و آن یکی می گفت نه آقا گیرم که اینجا جدا کردی جامعه که جدایی بردار نیست. حداقل با اختلاط دانشگاهها جوان فرصت دارد که کمی